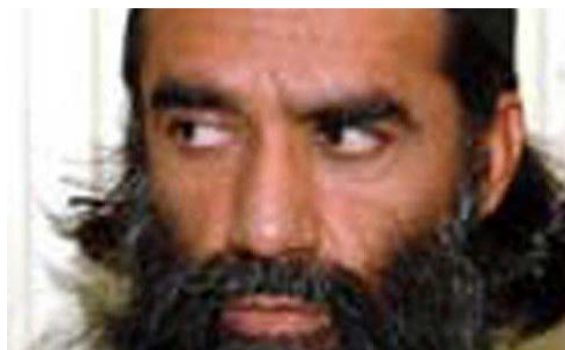


بیش به تنهایی کافی نیست، باید با کار توام باشد: [همان گونه که] تنها نگرستن به پله‌ها کافی نیست، باید از آن‌ها بالا رفت.

www.mandegardaily.com

سال ششم * شماره یک هزار سه صد و چهارده * یکشنبه ۱۸ جوزا / خرداد ۱۳۹۳ * ۹ شعبان المعظم ۱۴۳۵ * ۸ جون ۲۰۱۴

فرمانده آزاد شده طالبان به میدان جنگ باز می‌گردد



یکی از فرماندهان آزاد شده طالبان از زندان گوانتانامو اعلام کرده که قصد دارد تا به صحنه جنگ علیه امریکا بازگردد. به گزارش شبکه خبری ان.بی.سی، نورالله نوری، فرمانده آزاد شده طالبان که با سرباز ۲۸ ساله امریکایی در بند طالبان افغانستان معاوضه شد، اعلام کرد که قصد دارد به صحنه نبرد علیه امریکا بازگردد.

این مرد به همراه چهار تن دیگر از اعضای طالبان در زندان گوانتانامو با این سرباز امریکایی اسیر طالبان افغانستان معاوضه شد؛ اقدامی که انتقادها و مخالفت‌های زیادی را متوجه دولت واشنگتن کرده است.

شنبه گذشته، باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا فرمان آزادی محمد فضل، خیرالله خیرخواه، عبدالحق واسق، محمد نسبی و نورالله نوری را در ازای آزادی برگرال ۲۸ ساله اعلام کرد.

این سرباز امریکایی ۳۰ جون ۲۰۰۹ از محل خدمتش در شرق افغانستان ناپدید شد و بعدا مشخص شد که توسط طالبان ربوده شده است.

ادامه صفحه ۶

شورای امنیت سازمان ملل حمله به جان داکتر عبدالله را محکوم کرد



صفحه ۶

جنرال کوهستانی:

حمله به داکتر عبدالله کار طالبان نبود

صفحه ۶



برای اصلاحات و همگرایی

داکتر عبدالله

کاندیدای ریاست جمهوری ۱۳۹۳

شماره انتخاباتی

نشان انتخاباتی

سخن ماندگار

روزهای دشوار

تیم اصلاحات و همگرایی

حمله به کاروان پیکارهای انتخاباتی رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، با موجی از واکنش‌ها در کشور روبه‌رو شده است. شهروندان افغانستان که خواهان تغییر و اصلاحات در زنده‌گی سیاسی خود استند، این حمله را برنامه‌ی برای حذف این تیم از صحنه انتخابات کشور می‌دانند.

سوء قصد به جان داکتر عبدالله عبدالله نشان داد که این تیم به همان اندازه که از محبوبیت گسترده مردمی برخوردار است، دشمنان قسم‌خورده‌ی نیز دارد. بدون شک آنانی در افغانستان آماج حملات انتحاری و انفجاری قرار می‌گیرند که از پایگاه‌های مردمی نیرومند برخوردار باشند. دشمنان با رویکرد حذف چهره‌های ملی، تلاش دارند که افغانستان را از رسیدن به ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باز دارند و کشور را هم‌چنان در فقدان مدیریت سیاسی آگاه و برخاسته از میان مردم قرار دهند. هرچند تا هنوز هیچ گروهی مسوولیت حمله به کاروان پیکارهای انتخاباتی تیم اصلاحات و همگرایی را به عهده نگرفته، ولی با توجه به گذشته رهبران این تیم، یافتن رد پای عاملان این حادثه زیاد دشوار نمی‌نماید. آنانی که در سیزده سال گذشته، شخصیت‌های محوری جهاد و مقاومت کشور را همواره هدف قرار داده‌اند، در این حادثه نیز می‌توانند دست داشته باشند.

اما حادثه کوتاه‌سنگی کابل، ابعاد پیچیده‌تر برنامه حذف رهبران مردمی را نیز به نمایش می‌گذارد. تیم اصلاحات و همگرایی از آغاز پیکارهای انتخاباتی سال ۱۳۹۳، با موجی از حملات به دفترهای انتخاباتی خود در ولایات مختلف کشور روبه‌رو بوده است. از هرات در غرب کشور گرفته تا سرپل، فاریاب و برخی نقاط دیگر، حمله به دفترها و کارمندان ستادهای انتخاباتی، تیم اصلاحات و همگرایی را در وضعیت دشواری قرار داده است. از یک‌سو تیم اصلاحات و همگرایی با توجه به حمایت گسترده مردمی، نیاز دارد که در میان مردم باشد، ولی از جانب دیگر تلاش‌ها برای حذف چهره‌های اصلی این تیم می‌تواند همواره آن را به احتیاط و برداشتن قدم‌های سنجیده وادارد.

بحث تنها بر سر حذف چهره‌های اصلی این تیم نیست؛ بل در چنین حادثه‌هایی، غیرنظامیان و افراد عادی نیز قربانی می‌شوند و این مورد برای رهبران تیم اصلاحات و همگرایی، از اهمیت زیادی برخوردار است. تیم اصلاحات و همگرایی، خود را بخشی از مردم تعریف می‌کند و این رابطه بدون شک برای این تیم الزام‌هایی را به وجود آورده است.

تیم اصلاحات و همگرایی که متعهد به پاسداری از جان و مال مردم افغانستان است، چه‌گونه می‌تواند شاهد به خاک‌وخون کشیده شدن افراد بی‌گناه در مراسم پیکارهای انتخاباتی خود باشد؟... خشونت‌طلبان با تشخیص این وضعیت می‌خواهند تیم اصلاحات و همگرایی را در موقف دشوار قرار دهند. از یک‌سو اهمیت پیکارهای انتخاباتی برای تیم اصلاحات و همگرایی مطرح است و از سوی دیگر، باید نگران جان شهروندان کشور بود.

وقتی از رسانه‌ها، تصویرهایی از حادثه کوتاه‌سنگی کابل را دیدم، واقعاً دردی را که رهبر تیم اصلاحات و همگرایی می‌توانست تحمل کند، در آن لحظه حس کردم. تصاویر چنان دردناک بودند که تنها می‌توانستند عمق فاجعه‌ی را نشان دهند که خشونت‌طلبان رقم زده‌اند. مردان فقیری که در اطراف محل همایش دست‌فروشی می‌کردند، طعمه این حمله ناجوان‌مردانه شده بودند؛ مردانی که نان‌آور خانواده‌هایشان بودند و تمام هم‌وغم زنده‌گی‌شان، یافتن نان حلال از راه دست‌فروشی بوده است؛ همان‌هایی که چشم امیدشان را به تیم اصلاحات و همگرایی بسته بودند و انتظار روزهای خوش و بدون دود و باروت را می‌کشیدند.

این وضعیت بدون شک برای تیم اصلاحات و همگرایی، بسیار زجردهنده است. اما پیام رهبر اصلاحات و همگرایی که لحظاتی پس از حادثه خطاب به مردم افغانستان ابراز شد، بارقه‌های تازه امید به آینده را یک بار دیگر در دل‌های مردم زنده کرد. داکتر عبدالله به دنبال حادثه کوتاه‌سنگی کابل، طی یک سخنرانی گفت که پاسخ به خشونت‌طلبان، رفتن به پای صندوق‌های رای است. این سخن بدون تردید، عامل پیام مهمی برای شهروندان کشور بود. عامل این پیام که بدون رفتن به پای صندوق‌های رای و شرکت در انتخابات، نباید انتظار تغییر را در زنده‌گی خود داشته باشیم. یگانه راه مبارزه با وضعیت اسفناک فعلی، رفتن به سمت انتخابات و گزینش زعامت ملی آینده کشور است؛ زعامتی که متعهد به برقراری صلح و امنیت در کشور است و می‌تواند با تدبیر و خردورزی از پس مشکلات جامعه بحران زده بیرون شود. اما گذشتن از کنار حادثه کوتاه‌سنگی نباید در دستور کار قرار بگیرد. این حادثه نیاز به موشکافی و بررسی‌های کارشناسانه دارد و باید عاملان آن مشخص شوند. تنها با کلی‌گویی و گرفتن نشانی‌های همیشه‌گی، نمی‌توان در برابر قربانیان حادثه ادای دین کرد. دوستی به شوخی می‌گفت «طالبانی که از وقوع هر حادثه در افغانستان ذوق‌زده می‌شوند و حتی نزدیک بود مسوولیت حادثه رانش زمین در بدخشان را به عهده بگیرند، چرا این بار در مورد حمله به کاروان تیم اصلاحات و همگرایی خاموشی اختیار کرده‌اند؟»

این پرسش بدون شک یک پرسش اساسی در این مورد می‌تواند باشد، ولی ما را بی‌نیاز از طرح پرسش‌های دیگر نمی‌کند. هرچند هنوز زود است که پای گروه و افراد خاصی را در این حادثه دخیل بدانیم، ولی فضای موجود در افغانستان می‌تواند پای هر گروهی را به میان بکشد. وقتی فضا، فضای تهدید و جنگ و دندان نشان دادن باشد، هیچ کسی از دایره اتهام بیرون نخواهد ماند. بسیار منطقی است که نهادهای امنیتی کشور در زودترین زمان، یافته‌های خود را در مورد قضیه حمله به کاروان تیم اصلاحات و همگرایی در اختیار مردم قرار دهند. از جانب دیگر، خشونت‌طلبان باید بدانند که داکتر عبدالله تنها یک نفر نیست؛ او حالا به تفکر جمعی و راهی تبدیل شده که رو به سمت اصلاحات و همگرایی دارد.



حمله به عبدالله؛

یک تیر و دو نشان!

حلیمه حسینی

مشروعیت و مقبولیت حکومت آینده را کاملاً زیر سوال خواهد برد و حتا می‌توان به جرأت حکم کرد که روی کار آمدن و شکل گرفتن یک حکومت تا مدت‌ها بعد از یک چنین حوادث و فجایعی، ناممکن خواهد شد. از این رو ترور نامزد، به تیری می‌ماند که دو فاخته را هم‌زمان بر زمین می‌اندازد؛ یکی را از لحاظ فیزیکی و دیگری را از بُعد روانی. و از این راه آن‌که می‌رود، شهید و آن‌که می‌ماند، مبارز یکه و تنها و بی‌رقیب در میدان است که هیچ وجهت و مشروعیتی ندارد!

تیورسین‌های بازی‌های خطرناک این چنینی به‌خوبی آموخته‌اند که چه‌گونه کل انتخابات را به آشوب و هرج‌ومرج کشانند و دموکراسی و مردم‌سالاری را در این دیار سلاخی کنند. نیروهای امنیتی ما باید با تمام همت و قدرت، در حفظ جان نامزدان و تأمین امنیت مجالس و محافلی که برای کمپاین‌های آن‌ها در ولایات مختلف برگزار می‌شود، بکوشند و نامزدهای محترم هم خود باید با هوشتیاری و سنجش و احتیاط بیشتر، نگذارند توطیه‌گران داخلی و خارجی با یک چنین بازی‌های هولناک، شکاف و خلایی را میان دو فضای ایجادشده سیاسی که هر کدام باید برای دیگری محترم باشد، ایجاد کنند. امروز یگانه راه حل بحران‌های زنجیره‌ی افغانستان، رسیدن به وحدت و همدلی ملی است که در آن همه احساس کنند رأی‌شان به هر کدام صندوقی که ریخته شده است، قطره‌ی حیات‌بخش بوده که حیات و قدرت سیاسی کشور را تضمین کرده است و هر که برنده میدان شده، با مسوولیت بیشتر در کنار کسی خواهد بود که بازنده نه، بلکه یک همکار قوی برای دولت برآمده از دل صندوق‌های رأی خواهد بود.

نیروهای امنیتی ما با یک بررسی و تحقیق درست، می‌توانند عاملان این حادثه را شناسایی کرده و دست‌کم این وضاحت و شفافیت را به مردم بدهند که تمام تلاش‌شان را به کار خواهند بست تا در روزهای آتی، ما شاهد یک چنین حوادث اسفناک و تلخی نباشیم. مردم باید این جرأت و جسارت را داشته باشند که روز ۲۴ جوزا یک بار دیگر به پای صندوق‌های رأی بروند و نشان دهند که خواست و اراده ملت بر همه توطیه‌ها و دسیسه‌ها پیروز است!

زورمداران را داشته‌اند؛ مرگ امیدهای نوری که دل به یک حکومت مردم‌سالار بسته‌اند و رنگی که برای رأی دادن به انگشتان خود می‌زنند را تغییردهنده خط شوم سرنوشت‌شان می‌دانند؛ خط سیاهی که باید به سفیدی و روشنایی پیوند بخورد و روزی برسد که مردم احساس کنند، خود حاکم بر سرنوشت خویش‌اند و همه در برابر قانون، برابر و در فضای آزاد و روشن‌فکرانه انتخابی، برادرند.

هرچند آرزوی برادری و برابری، قرن‌هاست که مردم را به خود مشغول داشته و در حسرت رسیدن به آن، دل‌ها را کباب کرده است؛ اما بدون شک افغانستان، این دیار سوخته و خاکسترشده از نابرابری‌ها و نابرداری‌ها، اکنون بیش از هر زمان دیگر اراده‌ی برای دست به دست هم دادن و سرنوشتی تازه و نو را برای خود رقم زدن، به تصویر کشیده است. مجروحان حادثه اخیر که در میان مرگ و زنده‌گی و سلامتی و نقص عضو دست‌وپا می‌زنند، روی تخت شفاخانه نیز صحبت از عزم خود برای رأی دادن و اشتراک در انتخابات دارند. آن‌ها می‌خواهند حرمت عزیزان از دست رفته‌شان و هم‌چنین خونی که از بدن‌شان بر زمین ریخته شده را، فقط با رأی خود پاس داشته و به دشمنانی که این‌گونه حقیرانه در صدد سست کردن اراده مردم برای تغییر سرنوشت‌شان هستند، درس عبرتی دهند که مردم افغانستان وارد عصر جدیدی از تفکر و اندیشه سیاسی شده‌اند که خود سره را از ناسره جدا کرده و می‌خواهند به هر چه تفرقه و ترور و انتحار و خشونت و استبداد است، نه بگویند و برای این نه گفتن، حاضر به پرداخت هر هزینه‌ی هستند ولو این‌که این هزینه جان آن‌ها باشد!

چند روز باقی مانده به انتخابات، روزهای حساس و سرنوشت‌سازی است. اگر نیروهای استخباراتی و امنیتی ما به روشنی مشخص نسازند که حرکت‌های تروریستی و ضد مردمی مانند آن‌چه که روز جمعه رخ داد، از سوی چه کسانی سازمان‌دهی می‌شود، و اگر امنیت جانی نامزدان محترم تأمین نگردد؛ از دور خارج شدن هر کدام بر اثر حوادثی این چنینی، بدون شک فاجعه‌ی عظیم برای روند دموکراتیزه شدن کشور خواهد بود و خلایی که در توازن این رقابت به وجود خواهد آمد،

روز به روز، بر تعداد کشته و زخمی‌شده‌گان حادثه تلخ و دهشت‌ناک سوء قصد به جان نامزد پیشتاز انتخابات ریاست‌جمهوری یعنی داکتر عبدالله عبدالله افزوده می‌شود، و در کنار این افزایش ارقام، این حادثه ابعاد تازه‌تری می‌یابد؛ ابعادی که هولناک بودن این دسیسه را بیشتر رونما می‌سازد.

در طول یک دهه گذشته هر جا انفجار و انتحاری صورت گرفته، بلافاصله طالبان مسوول شناخته شده‌اند. اما سکوت سرد طالبان در این حادثه، پرسش‌ها و دغدغه‌های زیادی را در اذهان ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد سکوت طالبان در این رویداد، یا ناشی از دست‌نداشتن آن‌ها در این فاجعه است و یا این‌که می‌تواند این سکوت، یک سکوت استراتژیک و هدف‌دار باشد.

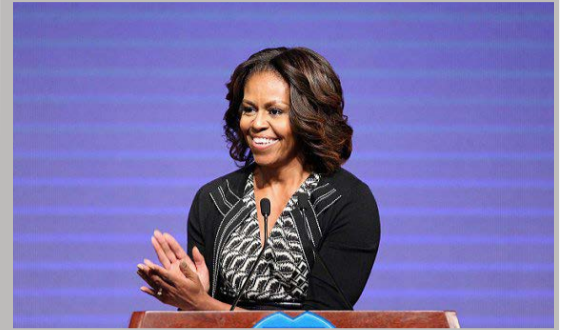
شاید بزرگ‌ترین هزینه‌ی که یک چنین حملات و حرکات تروریستی بر ملت ما در شرایط فعلی تحمیل می‌کند، مشوش شدن فضای انتخاباتی و سردرگم گشتن مردم باشد؛ چنان‌که پرده‌های ابهام یکی پس از دیگری رونما شود و انتخابات در هاله‌ی از دسیسه‌ها و بازی‌های خطرناک جلوه نماید و در نهایت مردم به‌خاطر این سردرگم شدن و بی‌باوری به شفافیت و صادقانه بودن شرایط بازی و رقابت، عطای انتخابات را به لقایش بخشیده و از شرکت در انتخابات و رفتن به پای صندوق‌های رأی انصراف دهند.

به آشوب کشاندن فضای تبلیغاتی انتخابات، کار خطرناکی است؛ به‌خصوص اگر این آشوب و این سم‌پاشی‌ها به‌نوعی بدبینی بین دو نامزد و رقیبی بیانجامد که قرار است تا چند روز دیگر به پایان رقابت سرنوشت‌ساز و در نهایت به تشریح مساعی خویش برای ساخت‌وساز و مدیریت افغانستان همت گمارند. فقط تصور کنید که اگر این سوء قصد موفقانه به ثمر می‌نشت و پُرنفوذترین نامزد در حادثه‌ی این چنینی حذف می‌شد، چه اتفاق می‌افتاد؟ آیا آن نامزدی که می‌ماند، برنده به حساب می‌آمد؟!

بدون شک در صورت بروز چنین فاجعه‌ی (حذف و ترور یک نامزد)، دیگر هیچ بُردی در کار نخواهد بود و انتخابات به شکست خواهد انجامید. اما شکست انتخابات، مرگ امید و آرزوهای مردمی‌ست که یک عمر تجربه تلخ حکومت‌های استبدادی، وراثتی و

میشل اوباما

برای سناتوری اقدام می کند؟



گمانه‌زنی‌هایی درباره سناتوری بانوی اول آمریکا وجود دارد و حقیقت این است که وی به شدت تاثیرگذار است و شخصیت مردمی و مشهوری دارد و این مواهب می‌تواند وی را به یک رهبر منتخب تبدیل کند.

به گزارش شبکه خبری سی.ان.ان، میشل اوباما، بانوی نخست آمریکا پیش از ریاست جمهوری باراک اوباما نیز شاید از شوهرش سرتو و پیش‌روتر بود.

وی در اوایل دهه ۱۹۹۰ دستیار شهردار شیکاگو و معاون کمیساری توسعه و برنامه‌ریزی شهر مذکور بود. در سال ۲۰۰۶ سناتور باراک اوباما حقوقی معادل با ۱۵۷ هزار و ۸۲ دلار داشت در حالیکه همسرش در همان سال ۲۷۳ هزار و ۶۱۸ دلار دریافت می‌کرد.

میشل اوباما به عنوان بانوی نخست آمریکا در برنامه‌های زیادی در داخل کشورش فعالیت کرده که از جمله آن‌ها می‌توان به مسائل مربوط به چاقی و تغذیه کودکان و چالش‌های پیش روی خانواده‌های نظامی آمریکا اشاره کرد.

با وجود مسائل حول کاندیداتوری احتمالی هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور، میشل اوباما شاید بانوی اول دیگری باشد که می‌خواهد برای سناتوری وارد عرصه رقابت‌های سیاسی شود. علاوه بر این باید به این مساله اشاره کرد که میزان محبوبیت میشل اوباما هم از هیلاری کلینتون و هم از همسرش باراک اوباما بالاتر است.

برای نخستین بار در تاریخ، آیاتی

از قرآن در واتیکان تلاوت می‌شود



برای نخستین بار در طول تاریخ روز یکشنبه در واتیکان آیاتی از قرآن تلاوت می‌شود.

به گزارش صدای روسیه، پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در جریان سفر اخیر خود به اردن و سرزمین‌های اشغالی از شیمون پرز، رئیس رژیم صهیونیستی و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین برای سفر به واتیکان دعوت کرد.

سخنگوی پرز به روزنامه تایمز آو اسرائیل گفت: عباس، پاپ و پرز قرار است با رهبران مذهبی اسلامی، یهودی و مسیحی دیدار کنند. این اقدام ابتکاری از سوی پاپ برای ایجاد صلح میان اسرائیل و فلسطین است.

به گفته مقام‌ها، این مراسم در واقع یک «وقفه در سیاست» است و هیچ انگیزه یا هدف سیاسی برای آن وجود ندارد مگر برقراری صلح و احترام به روابط میان اسرائیل و فلسطین.

واتیکان این مراسم را در وبسایت خود پنخ خواهد کرد.

یکی از پدران روحانی واتیکان نیز اعلام کرد: مردم باید انتظارات خود را حین برگزاری این رخداد کم کنند. مردم نباید فکر کنند که صلح روز دوشنبه برقرار می‌شود.

واتیکان روز جمعه همچنین اعلام کرد که پاپ با شینزوابه، نخست وزیر ژاپن دیدار کرده و دو طرف درباره راه‌های احتمالی تقویت صلح و ثبات در آسیا به گفت و گو پرداختند.

پروشنکو در مراسم تحلیفش:

از کریمه دست نمی‌کشیم



پترو پروشنکو روز شنبه رسماً به عنوان رئیس جمهوری جدید اوکراین طی مراسمی در کی‌یف سوگند یاد کرد.

به گزارش پایگاه خبری راشا تودی، این مراسم با حضور هیات‌های دیپلماتیک از ۵۶ کشور از جمله آمریکا با حضور جو بایدن، معاون رئیس جمهوری آمریکا در پارلمان اوکراین برگزار شد.

رهبر جدید اوکراین با چالش‌های دشواری از جمله تهدید جنگ داخلی، رشد اقتصادی ضعیف، بحران بدهی و ادامه شورش‌ها در کی‌یف رو به روست.

رئیس جمهوری جدید اوکراین در نظر دارد تا انتخابات پارلمانی زودهنگام برگزار کند. وی در سخنرانی آغاز به کار خود از جدایی‌طلبان نواحی شرقی کشورش درخواست کرد تا سلاح‌های خود را زمین بگذارند و وی در عوض تضمین می‌دهد تا سربازان روس به خانه‌هایشان بروند.

وی گفت: من به دنبال جنگ نیستم و نمی‌خواهم تلافی کنم. من خواستار برقراری صلح و می‌خواهم که صلح برقرار شود. لطفاً سلاح‌های خود را زمین بگذارید و من تضمین می‌دهم تمام کسانی که دستشان به خون آلوده نباشد، به خانه‌هایشان بروند.

پروشنکو همچنین متعهد شد تا اتحاد را در کشورش، خصوصاً در نواحی شرقی حفظ کند. وی همچنین به ساکنان منطقه دونباس که عمدتاً در دست شورشیان است، وعده داد که قدرت را غیرمتمرکز کرده و استفاده از زبان روسی را تضمین می‌کند.

رئیس جمهوری اوکراین درباره شبهه جزیره کریمه که در ماه مارس ضمیمه روسیه شد، گفت که هرگز از این شبهه جزیره دست نخواهد کشید. وی در بخشی از سخنانش که بسیار

احساسی شده بود، گفت: کریمه از آن ما بوده، هست و خواهد بود.

پروشنکو که در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در ۲۵ می برنده شد، تصمیم دارد ارتباط کشورش را با اتحادیه اروپا تقویت کند. پترو پروشنکو ۴۸ ساله که عمدتاً در صنعت تقلات فعالیت داشته است، در اوکراین با لقب «شاه شکلات» شناخته می‌شود.

پروشنکو قبلاً رئیس سرویس امنیتی و از مقامات ارشد بانک مرکزی اوکراین بوده و در دوران حکومت ویکتور یانوکوویچ و ویکتور یوشچنکو، روسای جمهوری سابق اوکراین، وزارت خارجه و وزارت توسعه اقتصادی را برعهده داشته است.

وی در برنامه انتخاباتی خود وعده داد که در چارچوب اختیاراتی که قانون اساسی برایش در نظر گرفته، عمل کند و ضمن تأکید بر

یکپارچگی حکومت اوکراین، آزادی عمل بیشتری به مناطق کشور بدهد. پروشنکو تضمین داده که اوکراینی‌ها بدون مشکل به زبان مادری‌شان صحبت خواهند کرد، هرچند که زبان اوکراینی تنها زبان رسمی حکومت خواهد بود.

این مقام همچنین قول داده کاری کند که اتحادیه اروپا ظرف یک سال محدودیت‌های وضع شده در مورد صدور روادید برای اتباع اوکراین را لغو کند و تا پایان سال میلادی جاری گفتگوها با این اتحادیه را درباره عضویت کامل اوکراین در آن آغاز کند.

اما وی خاطرنشان کرده که تا زمانی که در روابط میان اوکراین و روسیه آشتی برقرار نشود، اوکراینی‌ها هیچگاه احساس امنیت نخواهند کرد.

هیلاری کلینتون:

موافقت من با جنگ عراق اشتباه بود



وزیر پیشین امور خارجه آمریکا در زندگی‌نامه خود نوشته است که رای او در کنگره آمریکا برای حمله کشورش به عراق تصمیم اشتباهی بوده است. او در این کتاب که هنوز منتشر نشده درباره رئیس جمهور روسیه نیز اظهارنظر کرده است.

شبکه تلویزیونی «سی بی اس» گزارش داد که «به‌طور تصادفی» به بخشی از خودزندگی‌نامه هیلاری کلینتون، وزیر خارجه پیشین آمریکا دست یافته است. این کتاب قرار است روز دهم جون منتشر شود.

بر اساس گزارش شبکه آمریکایی، وزیر پیشین امور خارجه ایالات متحده که در سال ۲۰۰۲ به عنوان سناتور در رای‌گیری کنگره آمریکا برای تصمیم‌گیری درباره جنگ با عراق حضور داشت، از این که به این اقدام نظامی رای مثبت داده، ابراز پشیمانی کرده است.

کلینتون ضمن بیان این که: «من تنها کسی نبودم که این اشتباه را مرتکب شدم»، نوشته است: «آن زمان تصور می‌کردم که با نیت خیر این کار را انجام می‌دهم و بهترین تصمیم را گرفته‌ام.»

به گزارش دویچه وله، ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ با این بهانه که عراق سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد، به این کشور حمله کرد. از آن پس عراق به یکی از ناامن‌ترین کشورهای جهان تبدیل شد.

به گزارش سی بی اس، همسر رئیس جمهور پیشین آمریکا در زندگی‌نامه‌ی خود بیش از هر چیز به دورانی پرداخته که وزیر امور خارجه و همکار باراک اوباما بوده است.

او نوشته است که در برخی زمینه‌ها با رئیس جمهور اوباما اختلاف نظر داشته، اما به تصمیمات او، حتی اگر با آنها مخالف بوده، احترام می‌گذاشته است. او در این رابطه به مسلح کردن نیروهای اپوزیسیون سوریه اشاره کرده است.

حکم اعدام ۱۰ رهبر اخوان المسلمین

در انتظار تایید مفتی مصر

دستگاه قضایی مصر پرونده ۱۰ تن از رهبران اخوان المسلمین را به منظور تایید حکم اعدام‌شان به مفتی مصر ارجاع داد.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، این اقدام دستگاه قضایی مصر مقدمه‌ای است تا حکم اعدام این افراد در جلسه پنجم جولای آتی نهایی شود.

این حکم به صورت غیابی درباره ۱۰ تن از اعضای فراری اخوان المسلمین صادر شد، اما این حکم شامل محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین نمی‌شود.

این افراد به بستن راه، کشتن دو تن، مبادرت به قتل شش تن دیگر، حمله به نیروهای پلیس و تخریب خودروهای پلیس متهم هستند.

در بین این افراد عبدالرحمان البر، مفتی اخوان المسلمین نیز قرار دارد.



غلام محمد محمدی

پولشویی یا تطهیر پول، عبارت است از مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم، و تبدیل پول‌های حرام و نامشروع به اموال ظاهراً پاک.

یافتن منبع اصلی املاک نامشروع - از قبیل زمین‌ها، آپارتمان‌ها، سرای‌ها، موترها، قصرها، کارخانه‌ها، ترانسپورت‌های هوایی و زمینی - یا پول‌های نقدی که با هزار حيله و نیرنگ به‌دست آمده‌اند، یک کار ظاهراً دشوار است، ولی با چند پرسش ساده، همه قابل تشخیص‌اند.

اما انسانی‌ترین راه برای مراجع کشفی و حقوقی، سروی دارایی‌ها در داخل و خارج، حصول اطلاعات از طریق سازمان‌های کشفی، افراد، نهادهای سیاسی، اجتماعی، شغل سال‌های قبل و دارایی‌های پدري اشخاص است. (۱)

در کشور ما غالباً دارنده‌گان اموال و پول‌های نامشروع، دارایی‌های خویش را زیر نام اقارب، دوستان مطمئن و تاجران سابقه‌دار، به بانک‌های داخلی یا خارجی منتقل می‌کنند.

وجه تسمیهٔ پولشویی: همان‌طور که یک ماشین لباس‌شویی چرک و کثافات را از لباس جدا می‌کند، این عمل نیز پول و اموال نامشروع مجرمین جامعه را در انظار مردم طوری پاک و نامود می‌کند که مردم عادی آن را «خداداده‌گی» می‌خوانند. در حالی که این عقیده نیز خلاف شریعت اسلامیست؛ چون خداوند (ج) با هیچ مجرم و جنایت‌کاری، یار و مددکار نیست.

از لحاظ تاریخی پولشویی، از اواسط دههٔ ۸۰ میلادی، مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. قبل بر این، قانون‌گذاران جهان، به این‌گونه جرایم و اعمال شیطانی توجه نداشتند. مجرمین به‌راحتی می‌توانستند پول و اموال نامشروع خویش را که ناشی از زورگیری، قاچاق، گروگان‌گیری، راه‌گیری، دزدی، اختلاس، معاملات سرّی سیاسی، تجارتی، استخباراتی و غصب اموال دیگران یا ملکیت دولتی بود، مخفی کرده، به بانک‌های داخلی یا خارجی، منتقل و یا با اموال و جنس‌های دیگر در منطقه‌ی دیگر مبادله کنند. (۲)

اصطلاح پولشویی یا تطهیر پول: این اصطلاح، امروز به عنوان یک واژهٔ تخصصی در سراسر جهان پذیرفته شده و قوانینی برای این جرم، در اکثر کشورهای جهان که زمام‌داران آن‌ها دارای صداقت و اخلاق سیاسی هستند، وضع گردیده است. فقط در تعدادی از کشورها [مانند افغانستان] که اکثر مسوولین خود در فساد مالی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، معامله‌گری نظامی، سیاسی، استخباراتی، اختلاس، فروش اسلحه، باج‌گیری و غیره جرایم غرق بوده‌اند، هیچ مرجع حقوقی، سیاسی، جنایی و دادستانی به آن توجه نداشته است. (۳)

پولشویی، امروز تهدید بزرگی برای نظام‌های مالی کشورهای جهان است. بی‌توجهی به این جرم، هر روز مافیای مواد مخدر، مافیای زمین، راهزنان، معامله‌گران، انسان‌ربایان، زورگیران و مختلسین را شجیع‌تر و نیرومندتر ساخته، هرکدام به وسیلهٔ این پول‌های نامشروع برای خود حکومت و گروپ‌های امنیتی جداگانه ساخته، بعضی مواقع به وسیلهٔ اوباشان، مجرمین حرفه‌یی و مزد بگیران، امنیت شهرها را خراب می‌سازند.

ویژه‌گی‌های جرایم پولشویی:

۱- پولشویی یک جرم سازمان‌یافته و خطرناک است؛ زیرا جرم غیرسازمان‌یافته، با گرفتاری مجرم پایان می‌پذیرد، ولی در جرایم سازمان‌یافته، بعد از دستگیری یک مجرم، سازمان بلافاصله، فرد و افراد دیگری را جانشین می‌سازد [مانند: سریال هندی تجارت‌های خانواده‌گی. یا مثلاً: کارتل‌های مواد مخدر که صدها و هزاران نفر را در سراسر جهان، در استخدام خود دارند]. جرایم سازمان‌یافته مثل حلقه‌های زنجیر یکی با دیگری ارتباط دارند و مجرمین این سازمان‌ها می‌توانند از یک رشته به رشتهٔ دیگر، تغییر اشتغال دهند. (۴) در کشور ما عمده‌ترین پول‌شویان؛ اراکین بلندپایهٔ نظامی سیاسی، اعضای پارلمان و نهادهای قضایی گفته شده‌اند.

۲- پولشویی ماهیتی فراملیتی دارد، زیر غالباً در خارج از مرزهای هر کشور، استمرار و تداوم می‌یابد. مثلاً ترافیک و قاچاق مواد مخدر، هواپیماربابی، سرقت آثار باستانی، حمایت از مجرمین یک کشور در کشور دیگر در بدل دریافت پول و غیره. (۵)

۳- تمایل حمایت از مجرمین میان کشورها به‌خاطر به‌دست آوردن منافع و یا استفاده از مجرمین علیه رژیم‌های مورد نظر وجود دارد. چنان‌که افغانستان از سه دهه به این طرف، به عناوین مختلف از سوی کشورهای قدرت‌مند و همسایه مورد تهدید قرار گرفته. یعنی اکثر کشورهای استعماری، تمایلی به گرفتاری این مجرمین نشان نمی‌دهند و حتا آن‌ها را حمایت نیز می‌کنند.

متأسفانه بعضی کشورهای ظاهراً اسلامی، مانند: امارات متحدهٔ عربی، پاکستان، سوئیس، اسرائیل، سنگاپور و جزایر کاراییب و بعضی کشورهای دیگر اروپایی، امریکایی و آسیایی حامی جنایت‌کاران بوده، بانک‌های‌شان به مراکز پولشویی مبدل گردیده‌اند. (۶)

همین اکنون پول‌های اکثر مجرمین و جنایت‌کاران کشور ما، در سوئیس، ایتالیا، دوبی، پاکستان، کانادا، ایالات متحدهٔ امریکا، هندوستان، آلمان و چندین کشور اروپایی و آسیایی در گردش و محفوظ بوده؛ کارخانه‌ها، مراکز تجارتی و

پولشویی؛

سرپوش اموال نامشروع زورمندان

صنعتی‌شان فعال و کشتی‌های تعدادی از مجرمین جنگی، قاچاق‌بران، مافیای زمین، مواد مخدر و آثار باستانی، در خلیج فارس در گردش است.

نبود دولت مردمی، سالم و با ثبات در سیزده سال اخیر، جنایت‌کاران کوچک و متوسط را تشویق می‌کند تا در رده‌های مافیای بین‌المللی شامل شوند. همین اکنون کمتر از ۵۰٪ پول‌های قاچاق، اختطاف، اختلاس، دزدی، راه‌گیری و جرایم دیگر، بدون درد سر به جیب مسوولین نظامی و ملکی دولت آقای کرزی می‌ریزد؛ قصرهای فرعون، ملک و املاک آن‌ها، دال بر این ادعا است.

۴- از خصوصیات دیگر این جرایم، مصونیت سیاسی اکثر زمام‌داران، مسوولین بلندپایهٔ نظامی و سیاسی است. چون این اشخاص وابسته‌گی خارجی دارند، تعقیب و استرداد پول‌های نامشروع‌شان دشوار است. نمونهٔ آن، عده‌یی از وزرا و اراکین بلندپایهٔ دولت افغانستان طی سیزده سال اخیر است که تحت حمایت تعدادی از کشورهای استعماری قرار دارند.

محاکمه و به دادگاه کشاندن این مجرمین دوتابعیته، در حیطهٔ صلاحیت همان کشورهای حامی‌شان است. در حقیقت، تعدادی از کشورهای قدرت‌مند، بعد از کنفرانس بن، رواج‌دهندهٔ فساد مالی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مدرن

را تأسیس نموده، هم‌زمان در چند کشور روابط و امکانات دادوستد برقرار می‌نمایند. طی چند سال، راه‌های کشف جرایم‌شان را کور نموده به نام زن، فرزند و اقارب نزدیک خود، جایداد، ویلا، شرکت و منابع عایداتی می‌خرند و نام «تاجر ملی» را کمایی می‌کنند.

۵- صورت حساب‌های جعلی: بعضی‌ها به نام تجارت، پول‌های نامشروع خویش را، به نام تاجر دیگری به کشور مورد نظر انتقال و از آن‌جا به جای دیگر، به نام خرید سهام بدون نام، در بعضی شرکت‌های سهامی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

در تعدادی از کشورهایی که رژیم‌های انسانی برقرار است، بیش از یک حد معین مثلاً ده هزار یا بیست هزار دالر، صاحبان پول مجبور اند منبع درآمد خود را گزارش بدهند. (۹)

متأسفانه در کشور ما، دولت خودش همکار این مجرمین است و در ترویج فساد مالی ریکاردشکنی می‌کند.

۶- در بعضی کشورها [به‌ویژه افغانستان] دارنده‌گان اموال و پول نامشروع نه تنها مواخذه نمی‌شوند، بلکه به پست‌های بلند دولتی ارتقا نموده و به نام ثروت‌مند مورد احترام افراد عادی جامعه نیز قرار می‌گیرند. در کشورهای اسلامی اکثراً جنایات خود را زیر لباس اسلام مخفی



می‌کنند، بارها به حج می‌روند، گاهی مسجد می‌سازند، از پول حرام ختم، خیرات و قربانی می‌کنند و در صف اول نماز می‌ایستند.

در حالی که خانه‌شان حرام، موترشان حرام، لباس‌شان حرام و لقمه‌شان حرام است. (۱۰)

از نظر تاریخی، کنوانسیون ۱۹۸۸م پایهٔ قانون مبارزه با پولشویی گردید و کشورها یکی پی دیگر، بر سر این موضوع توافق نمودند. تا سال ۱۹۹۰ م، تعداد ۱۶ کشور، عضو کنوانسیون مبارزه با پولشویی (FATF) شدند. در اجلاس ماه اپریل ۱۹۹۰م، در نشستی که در این رابطه برگزار شد، ۴۰ اصل به عنوان مبنای کار پذیرفته گشت. در همین سال، این اصول ۴۰ گانه، نهایی شده تصویب گردید. بعد از سال ۱۹۹۹ و اتفاقات تروریستی که در جهان رخ داد، سازمان ملل متحد قطعنامه‌یی را صادر کرد که طی آن ۸ اصل دیگر به ۴۰ اصل قبلی افزوده شد.

در نشست ماه فبروری ۲۰۰۲م که از سوی کمیسیون مشترک اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت، ۴۸ اصل به عنوان مبنای قوانین مبارزه علیه پولشویی و اموال نامشروع پذیرفته شد.

امروز بیش از ۳۰ کشور جهان، این اصول را پذیرفته‌اند. نخستین کشوری که علیه پولشویی قوانین وضع کرد، دولت انگلستان بود.

محورهای پولشویی:

این محورها در کشورهای مختلف متفاوت‌اند، اما اکثراً عبارت‌انداز: مواد مخدر، فعالیت‌های تروریستی، اختلاس، معامله‌های سیاسی، فروش اسلحهٔ غیرمجاز، معامله‌های استخباراتی، اعمال خلاف منافع ملی، رشوه‌های بزرگ، رهزنی، آدم‌ربایی، کلاه‌برداری، همکاری با باندهای مافیای زمین، زورگیری، دزدی، غارت دارایی‌های عامه، فروش

زنان و کودکان، اختطاف، فروش اعضای بدن انسان و ...

راه‌های جلوگیری از تجمع پول و اموال نامشروع:

۱- توظیف یک کمیسیون مستقل از نهادهای دولتی و غیردولتی، برای جلوگیری از خروج پول به شیوهٔ اسعار به خارج

۲- تدوین و تصویب قانون مبارزه با پولشویی

۳- جلوگیری از فساد مالی در سطوح مختلف

۴- برگرداندن پول‌های نامشروع دوباره به بودجهٔ دولت

۵- حساب‌گیری از سرچشمهٔ دارایی‌های مشکوک اراکین دولتی

۶- مواخذه و محاکمهٔ پول‌شویان به عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از جرم، جنایت، خیانت و فساد

۷- اصلاح سیستم مدیریت که یکی از شیوه‌های اساسی مبارزه علیه پول شویی‌ست

۸- مشارکت دادن مطبوعات و سازمان‌های سیاسی، در کشف، افشا و دستگیری مجرمین و وضع جریمه‌های سنگین بر آن‌ها. (۱۲)

عواملی که به تجمع اموال نامشروع کمک می‌کنند:

وقتی بازار آزاد را قبول می‌کنیم، کنترل از جرایم را باید به‌همراه داشته باشد. این اصل را تحمیل‌کننده‌گان خارجی و داخلی بازار آزاد [وزیران مالیة افغانستان آقای اشرف‌غنی احمدزی و انورالحق احدی] می‌دانستند، ولی برای سوءاستفادهٔ گماشته‌گان خود و فاسدسازی اخلاق جامعه، عمداً به این بخش مهم و حیاتی توجه نکردند. همین بازار بی‌بندوبار و غارتگر سبب شد که هم اراکین بلندپایهٔ دولتی و هم کمپنی‌های خارجی، کمک‌های واصله به آدرس افغانستان را از زمین بقایند و زمینه را برای تجمع میلیون‌ها دالر پول نامشروع، مساعد سازند. (۱۳)

- فقدان ادارهٔ سیاسی سالم و به قدرت رسیدن سیاست‌مداران فاسد

- ارتشا، فرار مالیاتی، تبانی در معاملات و قراردادهای میلیونی

- سرقت، اختطاف، فحشا، ناکارآمدی نظام امنیتی، کشفی و قضایی، تخلیه کردن دستگاه دولت از اشخاص و کارمندان صادق، کاردان و سابقه‌دار، ورود بسا از خائنین و مزدوران به پست‌های کلیدی، چور و چپاول فتنگ‌داران، معاملهٔ اسلحه، احتکار و پمپاژ کالا‌های قاچاقی بی‌کیفیت و تقلبی به‌وسیلهٔ بعضی خائنین ملی زیر عنوان تجار ملی فروش و معاملهٔ جای داده‌های دولتی و صدها جرم و جنایت نابخشودنی دیگر سبب شد فاصله میان فقیر و غنی، از زمین تا سیاره‌ها شود و جامعه به گدایی بنشیند. به نوشتهٔ هفته‌نامهٔ ملت به نقل از روزنامهٔ وال‌استریت‌جورنال زیر عنوان «قاچاق پول از افغانستان» سالانه ۳ میلیارد و شش‌صد میلیون دالر معادل یک دهم عایدات ناخالص افغانستان از طریق میدان هوایی کابل به کشورهای عربی قاچاق می‌شود. (۱۴) طی این سال‌ها، وزیران مالیة افغانستان؛ آقایان اشرف‌غنی احمدزی و انورالحق احدی و حضرت عمر زاخیلوال، هیچ کار عملی‌یی برای جلوگیری از این وضعیت انجام نداده‌اند.

اشخاص، احزاب و نهادهای شریک در قدرت که تمام شبکه‌های اقتصادی را در وزارت مالیه، گمرکات، مستوفیت‌ها، ارگان‌های محلی و ریاست‌های عواید دولتی به‌دست داشته یا دارند، مسوولیت بیدادگری و جنایات انجام‌شده در حق مردم افغانستان را به‌دوش دارند. نتیجهٔ اعمال این‌ها و گرداننده‌گان دولت است که پس از سیزده سال بالاخره پول‌های ناپاک دامن «فاسدترین دولت جهان» را گرفت و معاملات دالری پنج بانک تجارتي افغانستان در خارج بسته شد و بقیه نیز به‌زودی شامل کیست سیاه بانک‌های جهانی خواهد گردید؛ چون قانون پولشویی که در سال ۱۳۸۳ خورشیدی در هفت فصل و هفتادوپنج ماده از سوی بانک مرکزی تدوین گردید، هنوز به تصویب نرسیده است.

پانوست‌ها:

۱- روزنامهٔ جام جم، مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۱ خورشیدی، تهران

۲- همان

۳- سلیمی، دکتر صادق، «جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی»، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۸۲ خورشیدی

۴- همان

۵- همان

۶- روزنامهٔ جام جم، مورخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ خورشیدی، تهران

۷- هفته‌نامهٔ «آگاه»، ۱۶ دلو ۱۳۸۶ خورشیدی، کابل، مقالهٔ غلام‌محمد محمدی (دموکراسی در غرب استبداد به شرق است)

۸- سلیمی، دکتر صادق، جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی

۹- روزنامهٔ جام جم، مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۸۱ خورشیدی، تهران

۱۰- همان

۱۱- روزنامهٔ همشهری، مورخ ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۲ خورشیدی، تهران

۱۲- همان

۱۳- همان

هبولازنی افسونگر

بادداشتی بر فلم غرامت مضاعف، اثر بیلی وایلد

وحید شفق



فرازی از مطلب زنان مرگبار و اغلب موطلائی فلم‌های نوآر در این‌جا نیز در هیبت یک هیولازن فام فتال (هیولازن مرگبار یا زن نابودگر) و در هیبت هیستریک ظاهر می‌شود. این‌گونه زنان عاشق نمی‌شوند و تنها در فکر عاشق، بنده کردن و اغوا کردن‌اند. زنانی که همواره می‌خواهند تمنا و در مرکز نگاه دیگری باشند و در همان حال در پی ایجاد ارتباطی شیب‌دار و سلطه‌گرانه حرکت می‌کنند و همواره در این اندیشه‌اند تا حساب دیگری، چه رقیب عشقی و چه سوژه عشقی را برسند. آن‌ها دیگری را مقصر همه بدبختی‌های خود می‌دانند و از خود چهره‌ی معصوم را تصویر می‌کنند. در جایگاه تمنا و میل والای دیگری قرار گرفتن، میلی که دست یافتنی نیست، آن‌ها به تمناهای مردانه حمله می‌کنند و آن را منفعل‌شده و عقیم می‌خواهند و در واقع (و در نگاهی دیگر) به قانون پدر حمله می‌کنند (از زن خانه‌دار عبور می‌کنند تا به کشف و شهود دست یابند، او آنتی‌تزن زنان خانه‌دار و سنتی ست)، تحقیر می‌کنند، تا بدین گونه انتقام خود را از جهان (خشن) مردانه و همراه با بی‌قواره کردن آن، و در عین حال نشان دادن اخته‌گی و زوال آن به نمایش بگذارند. آن‌ها نیازهای انسانی و دوسویه را مورد حمله و سرکوب قرار می‌دهند.

سردی و هیستریک بودن زنان فلم‌های نوآر (چیزی که به آن‌ها معصومیت ناپایدار و شکننده می‌بخشد) از این باور نشأت می‌گیرد، که آن‌ها از درون باور دارند که ارضای تمناهای ارضای تمنای عشقی خویش ناممکن است و به همین جهت است که آن‌ها تمنای از خویش ندارند و به دنبال این هستند تا تمنای دیگری شوند و به همین جهت همواره خود را در جایگاه یک قربانی قرار می‌دهند و تن به نقشی دروغین می‌دهند و این موضوع فانتسم* آن‌ها را شکل می‌دهد. آن‌ها یک‌دفعه به زیر همه چیز می‌زنند و متغیر و خشمگین می‌شوند، دست به سرکوب درون و امیال خویش می‌زنند و این موضوع فلج‌شده‌گی و ناتوانی دنیای آن‌ها را شکل می‌دهد؛ زیرا ضمیر ناآگاه (ضمیر ناخودآگاه) همیشه بازمی‌گردد، در همان لحظه که سرکوب می‌شود. به قول فروید: در همان لحظه که زن یا انسان هیستریک در نقش قربانی و مظلوم از ستم دیگری، پدر، جهان، همسر، معشوق، سخن می‌گوید، در واقع در حال ستم کردن و زیر فشار آوردن دیگری است و این دروغ اصلی و بزرگ انسان هیستریک است. آن‌گونه که جهان زنان اغواگر و اغلب جذاب فلم‌های نوآر، بر حول این محور می‌گردد. و در جهان این اثر نیز ما شاهدیم که کاراکتر زن در ابتدا و پس از اغوا و مهار مرد، برای تسلط بر جهان او و در جهت دست‌یابی به خواست‌های خود، چندین بار از ستمی که بر او و از سوی همسرش روا می‌شود، سخن می‌گوید و باورپذیری این سکانس‌ها میسر نمی‌شود، مگر به مدد جای‌گیری مناسب دوربین و استفاده از سایه و بازی‌های نوری، که در این سکانس از پاشاندن نور هر چه بیشتر بر چهره زن و گرفتن نمای درشت از چهره‌اش بهره می‌برد، تا حس همدردی مخاطب را با او همراه کند، اما فضا سازی در پس‌زمینه و حضور نورهای سیاه و سایه‌ها در خود هشداری را نهفته دارند، ضمن این‌که عنصر موسیقی این سکانس را در جهت این معنا، دراماتیزه نمی‌کند، که بعدها معنایش را می‌یابد، در سکانسی که «والتر نف» وارد خانه می‌شود و با فضایی تاریک مواجه می‌شود و سپس تیر می‌خورد. پیرنگ‌های سینمایی نوآر در این اثر و در جای جای آن به چشم می‌آید، از فضای کارآگاهی گرفته تا مردانی که احساس غریبی و بیگانگی می‌کنند و زنی هیستریک و اغواگر، همه این المان‌ها به کمک هم، فضایی آکنده از بی‌اعتمادی و بدگمانی را رفته‌رفته رقم می‌زنند، و این مرز رستگاری ماست.

فرد هیستریک، عاشق ارتباطات مختلف و پنهانی و دسته‌بندی‌های مختلف است تا معشوق و تمنای همه باشد و در عین حال، غیر قابل دسترس برای همه و این‌گونه همه را برای خویش نگه دارد و هم‌زمان با این کار معضالش را نشان می‌دهد و ناتوانی از لمس تمناها و نیازهای خویش و بنابراین ناتوانی از ارضای عشقی،

جنسی، و ارضای خواست‌های خویش و دست‌یابی به تمناهای خویش (آن‌گونه که در اینجا فیلیس به جز همسرش، هم‌زمان با دو مرد دیگر در ارتباطی توأم با فریب دادن است). در پشت زن هیستریک، پدری شکست‌خورده حضور دارد که زن هیستریک می‌خواهد از یک‌سو سرانجام او را با پیروزی‌های خودش صاحب قدرت و پیروز بکند، و هم‌زمان مرتب شکستش را به شکل دیگری و به شکل شکست‌های خویش نشان می‌دهد. در این‌جا تفاوت میان دو حالت سوژه متقسم، یعنی عبارت و فاعل اشارت در حالت هیستریک و از منظر ژاک لکان مورد نظر است. گفتمان هیستریک، بر پایه بی‌گناهی خویش و گناهکاری کامل دیگری استوار است و این بالقوه‌گی می‌تواند بدل به فعلیت حذف دیگری شود. زن‌های فلم‌های نوآر، آمیزه‌ی از جذابیت، شهوت، تحریک‌کننده‌گی، ساده‌گی، مرموزی و مکار بودن و به‌طور هم‌زمان قربانی و مهاجم هستند، و همه این‌ها در کنار هم از آن‌ها شخصیتی پیچیده می‌سازد.

مورد تمنا قرار گرفتن دیگری بی‌توجه به تمناها و تمنامندی خویش، آن‌گونه که گاه آن دیگری بدل به ابزار و خدمت‌گزاری در جهت سواری دادن و تحقق میل‌های نهفته در درون این زنان می‌شوند، از برانگیخته شدن حس حسادت و بدل شدن به شمایل یک ماچو - مرد خشن و پرخاشگر که به صورت فیزیکی وارد درگیری می‌شود - گرفته، تا قتل و فالوس خود را کوچک دیدن. آن‌ها از این طریق درصدد اند تا فانتسم/فانتزی و توهم خود را حفظ کنند، فانتسمی که نیروی محرکه آن‌هاست و از درون، میل را در آن‌ها به پیش می‌راند، این میل که هر مردی را می‌تواند اغوا کرده و به‌دست آورد، به زبان ساده تر لب چشمه پزند و تشنه بازگردانند. او می‌خواهد موضوع تمنا، ابژه گم‌شده و معشوق گم‌شده دیگری باشد، او همواره در اجرای نقشی ست که تمنای دیگران آن را می‌طلبد. آثاری که هم‌چون بازی پوکر به پیش می‌روند و با رو کردن آخرین ورق، خیر از درون افراد و رو دست خوردن از تصویر ذهنی و برساخته در درون ذهن بیننده می‌دهند، یعنی این هشدار که به چهره‌های زیبا اعتماد نکنید. در این نگاه و معصومیت مجازی، یک هیولای مرگبار پنهان است، هیولایی که به ارضا شدن و ارضا کردن نمی‌اندیشد، بلکه به انتقام و از پا درآوردن می‌اندیشد، اما خود این هیولا موجودی ست به شدت نیازمند، دچار کمبود، کسترسیون (castration) و ضعف است، شاید غرامت مضاعف (در معنای واژه و نه کلیت فلم) همین نبرد برای نشان دادن بی‌نیازی ست. او که با اغوای دیگران پرده بر نیاز، تمنا و میل به دل سپردن خود می‌کشد، تا زمانی که در تاریکی اتاق، دستش برای شلیک گلوله دوم به لرزه می‌افتد

به عنوان یک پدر معنا کرد؛ کش مکشی که به صحنه نهایی آسانسور [فت] و روشن کردن کبریت [گوگرد] توسط «کیس» برای «والتر نف» منتهی می‌شود، یعنی بر افروختن کبریت برای آن دیگری که در این‌جا شکلی آیینی نیز به خود گرفته است.

بیلی وایلد در این‌جا هر قدر در نوع ساختار، توجه به جزئیات و میزانش اثر قدرت‌مند عمل می‌کند، در چه‌گونه‌گی روایت تعجیل به خرج می‌دهد، و این موضوع به روند منطقی اثر و باور پذیری برخی از کاراکترهای آن (هم‌چون کاراکتر لولا که بیشتر در نقش یک دختر در زیر سایه نام پدر، ظاهر می‌شود، حتا پس از کشته شدن پدرش هم او را به شکل یک دختر و این بار در کنار «والتر نف» - به عنوان پدر ثانی اش - می‌بینیم) تا حدی ضربه می‌زند و معرفی شخصیت‌ها را در ابتدای فلم با تعجیل همراه می‌کند.

اخته‌گی کاراکتر اصلی فلم (یعنی والتر نف) را می‌توان از همان سکانس آغازین فلم معنا کرد، یعنی با تصویر ضد نور و تاریک و مبهمی که وایلد از شمایل یک مرد و با چوبی در زیر بغلش و هویتی مبهم در میان غبارهاف به نمایش می‌گذارد؛ تصویری که در اواسط فلم و در سکانس سوار شدن در قطار و سپس سکانس انتهایی، معنای خود را باز می‌یابد، سپس از سکانس اول فلم کات می‌خورد به نمای اعتراف. در اولین نما از روبه‌روی «والتر نف» با «فیلیس»، نف توسط کششی فیتیشیستی به سمت فیلیس خیز برمی‌دارد، و شیفته‌گی او هم‌زمان می‌شود با حرکت ساق‌های پا و عریان فیلیس، در پایین آمدن از پله (ساق پا که تحلیلی فریودی نیز در خود دارد)، و در همین سکانس است، که دوربین با گرفتن تصویر «والتر نف» از درون آینه او را تضعیف، شی و مسخ‌شده، تصویر می‌کند. او و تصویرش حالا و در همین اولین مواجهه اسیر می‌شوند، به گونه‌ی که فیلیس از جلوی آینه کنار می‌رود، و نف را در نگاه هم‌چنان تثبیت شده‌اش رها می‌کند. در برخی از سکانس‌ها و به‌خصوص در سکانس‌های ابتدایی و مواجهه نف با پیشنهاد فیلیس و هم‌زمان با زوم‌های دوربین، ما شاهد بازی سادیستی این دو کاراکتر در دو سوی ماجرا و همراه و در کنار هم هستیم.

فلم اقتباسی ست از رمانی به همین نام و براساس یک داستان کوتاه و واقعی در سال ۱۹۲۷، و به قلم جیمز ام. کین (نویسنده کتاب پستیچی همیشه دو بار زنگ می‌زند). غرامت مضاعف یکی از نمونه‌وارترین فلم‌های وایلد است، که او فلم‌نامه آن را در سال ۱۹۴۴ و با همکاری ریموند چندلر، نویسنده نام‌آور داستان‌های جنایی نوشت. عنوان فلم به عبارتی حقوقی و رایج در شرکت‌های بیمه اشاره دارد. فلم در دوران اوج ژانر فلم‌های نوآر کلاسیک (نوآر به معنای فلم سیاه) ساخته می‌شود و در همان دوران هم در میان برترین‌ها جای می‌گیرد، و هنوز هم جایگاه خود را در میان صد اثر سینمایی و برتر از نظر اغلب منتقدان حفظ کرده است. فلم سقوط ارزش‌های اخلاقی و آن چیزی را که در امریکا به مراتب به آن ارج می‌نهند، یعنی خانواده را نشان می‌دهد، ضمن این‌که بیشتر داستان فلم و اغلب اکت‌های آن و جنایت‌ها در شب می‌گذرند، - استفاده از المان سیاهی و تاریک و تا حدی اکسپرسیونیستی - و تنها در انتها و پس از سکانس اعتراف است که صبح می‌آغازد، آن‌هم نه در فضای باز، در حالی که فلم در بستر شب آغاز می‌شود. این تریلر کلاسیک از زبان قاتل فلم و با صدای او به عنوان نریشن (اول شخص و مبتنی بر اعتراف و خاطره) و راوی می‌آغازد و از همان ابتدا بنایش را بر سبیلی از واژه‌گان و دیالوگ‌های اغلب کوتاه می‌گذارد؛ واژه‌گانی که بیننده را هر چه بیشتر کنجکاو به دانستن ادامه قصه می‌کند و کشش لازم را با روند پیش‌برنده فلم همراه می‌کند. این روایت اول شخص در کنار خط سیر تصویری اثر، فلم را به کلام ادبی نزدیک‌تر می‌کند، اما درون گفتار فلمیک آن کارکرد ادبی هم تغییر شکل می‌دهد و هم جابه‌جا می‌شود، و به همین دلیل تصویر دایجتیک/فلمیک اثر همیشه متعلق به زمان حال به نظر می‌آید و هست. شیوه خون‌سردانه و سرد وایلد در ترسیم مکانیسم دسیسه و فریب به‌خوبی با فلم‌نامه هماهنگ می‌شود و این میسر نمی‌شود، مگر به مدد نورپردازی و موسیقی اثر، که بر حس تعلیق نهفته در تیره‌گی و فضا سازی حاکم بر اثر می‌آفزاید، به‌ویژه در سکانس‌های پایانی.

منابع استفاده شده:

۱) سینمای نوآر و داستان کارآگاهی - کلر جانستن - ترجمه مازیار اسلامی - مجله فارابی - دوره چهاردهم

۲) در ستایش زنده‌گی یا اسرار مگو - داریوش برادری

شورای امنیت سازمان ملل حمله به جان داکتر عبدالله را محکوم کرد

«حمله بر داکتر عبدالله حمله بر مردم افغانستان است»



شورای امنیت سازمان ملل حمله تروریستی مرگبار بر جان داکتر عبدالله نامزد پیشواز انتخابات ریاست جمهوری را به شدت محکوم کرد و نگرانی شدید خود را در این زمینه ابراز کرد.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، ۱۵ عضو شورای امنیت در بیانیه‌ی اعلام کردند: اعضای این نهاد بین‌المللی بار دیگر اقداماتی که از سوی تروریست‌ها در افغانستان علیه غیرنظامیان انجام می‌شود و یا با هدف ایجاد اختلال در روند انتخابات نامزدها و یا زیرساخت‌های افغانستان است، به شدت محکوم می‌کند.

در این بیانیه آمده است: اعضای شورای امنیت نگرانی خود را از تهدیدهای طالبان، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی و تندرو و گروه‌های مسلح غیرقانونی علیه غیرنظامیان و نیروهای امنیت ملی، ارتش بین‌المللی و نیروهای ایساف اعلام می‌کند.

روز جمعه داکتر عبدالله و سایر رهبران تیم اصلاحات و همگرایی از دو حملهٔ انتحاری جان سالم به‌در بردند.

در این حمله، سه تن از محافظان داکتر عبدالله و یک عضو ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و همگرایی و شش تن از غیرنظامیان جان باختند. این حمله تنها یک هفته پیش از آغاز دور دوم انتخابات برای تعیین جانشین حامد کرزی، رخ داد.

حمله روز جمعه اولین بار بود که به صورت

مستقیم یکی از نامزدهای انتخابات را هدف قرار می‌داد.

در بیانیه شورای امنیت سازمان ملل آمده است: اعضای این شورا حمایت خودشان را از روند دموکراتیک افغانستان اعلام کرده و منتظر برگزاری دور دوم انتخابات و ادامه گذار به دولت جدید است.

کوهستانی: حمله به داکتر عبدالله کار طالبان نبود

ناحیه نوری

حمله بر جان داکتر عبدالله، از سوی حلقاتی در درون نظام و شبکه‌های تروریستی سازمان‌دهی و طرح‌ریزی شده بود.

شماری از آگاهان نظامی با تأکید بر این مطلب می‌گویند، تثبیت محل و چگونگی اجرای این عملیات، از توان طالبان خارج است. آن‌ها قادر نیستند که با چنین سرعتی اطلاعات کسب کنند و همزمان با اطلاعات عمل کنند؛ بنابراین یک تبانی میان حلقات طالبان و کسانی که در داخل نظام اند و خواهان اجرای چنین عملیاتی بودند، وجود داشته است.

در همین حال، بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان می‌گوید، مخالفین مسلح در تلاش مختل کردن امنیت برگزاری دور دوم انتخابات اند؛ اما نیروهای امنیتی باید برای تأمین امنیت برگزاری انتخابات تلاش جدی به خرج دهند.

جاوید کوهستانی آگاه مسایل نظامی می‌گوید: «بدون شک حملهٔ روز جمعه یک حملهٔ سازمان‌یافته به منظور از بین بردن داکتر عبدالله و معاونین‌شان بود و امکان دارد که این گونه حملات تا زمان برگزاری انتخابات تشدید شود.»

آقای کوهستانی با اشاره به حمله برجان محمد محقق معاون دوم داکتر عبدالله که در جوزای سال گذشته صورت گرفت، افزود: «در حادثهٔ یک سال قبل که به منظور ترور محمد محقق صورت گرفت، عوامل داخلی دخیل بود، زیرا هیچ گروهی مسوولیت آن را نپذیرفت. حادثهٔ روز جمعه هم ربطی به بیرون از افغانستان و طالبان ندارند و به همان قضیهٔ سال گذشته ارتباط دارد.»

این تحلیلگر نظامی می‌گوید که اگر نیروهای امنیتی و کشفی دربارهٔ حمله بر جان محمد محقق تحقیق می‌کردند، دست‌هایی که در پشت حمله برجان داکتر عبدالله بود، به خوبی مشخص می‌شد.

این آگاه نظامی تصریح کرد: «سازمان دهی این حمله در داخل نظام صورت گرفته نه در بیرون از افغانستان؛ بنابراین احتمال دارد که انتحارکننده توسط روابط افراد خریداری و به افغانستان انتقال داده شده باشد.»

ایران نیز این حمله را به شدت محکوم کرده و گفته است که چنین حملاتی نمی‌تواند پروسهٔ مردم سالاری در افغانستان را صدمه بزند. وزارت خارجه پاکستان نیز این حمله را به شدیدترین الفاظ محکوم کرده است.

تا اکنون هیچ گروهی مسوولیت این رویداد را بر عهده نگرفته‌اند.

حمله به داکتر عبدالله حمله به مردم افغانستان

در همین حال، رییس مجلس نمایندگان افغانستان حمله به داکتر عبدالله را حمله به مردم کشور دانست و از ضعف نیروهای امنیتی و اطلاعاتی انتقاد کرد.

عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس نمایندگان روز گذشته در نشست عمومی مجلس اظهار داشت که حمله به جان عبدالله کاندیدای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور حمله به جان مردم افغانستان بوده است.

به گفته ابراهیمی، امنیت ملی یک نهاد مهم و تاثیرگذار بوده و کارکرد این نهاد طی چند وقت اخیر، برای شهروندان افغانستان قابل قبول نیست. وی افزود: کمیسیون امنیت داخلی مجلس وظیفه دارد تا مسوول امنیتی این نهاد را در این خصوص استیضاح کرده و نتیجه را گزارش دهد.

وی تصریح کرد که حامد کرزی رییس جمهور افغانستان اجازه دهد که رییس پیشین امنیت به سرکار خود باز گردد یا فرد دیگری را برای کسب این مقام به مجلس معرفی کند.

فرمانده آزاد شدهٔ طالبان...

برخی از اعضای کنگره امریکا با انتقاد از این معاوضه اعلام نگرانی کردند که این پنج طالبان آزاد شده به جنگ علیه امریکا ادامه می‌دهند. مابقی نیز معتقدند که این تبادل زندانیان برای امریکا یک معامله بد است چرا که گزارش‌ها نشان می‌دهد برگرال از محل خدمتش فرار کرده بود.

سناتور مارکو روبریو این تبادل را بسیار مشکل ساز خواند و گفت: این معامله جان امریکایی‌ها را به خطر می‌اندازد. نورالله نوری، فرمانده ارشد طالبان است و والی سابق یکی از ولایات شرق افغانستان به شمار می‌رود.

به عنوان بخشی از توافق با دولت قطر، نوری به همراه چهار تن دیگر خروج از قطر را به مدت یک سال ندارند آن‌ها مکرراً کنترل می‌شوند اما می‌توانند آزادانه در سراسر قطر سیر کنند.

ملا محمد عمر، رهبر طالبان نیز در بیانیه‌ی بی‌سابقه آزادی اعضای طالبان را یک پیروزی بزرگ خواند.

اگر به من رأی ندهید خاین...

کرده و باید مجازات شود.

پیش از این، جنرال دوستم در نشستی در ولایت سرپل، مردم این ولایت را «خواب‌برده و تنبل» خطاب کرده بود و گفته بود که این‌بار باید تیم انتخاباتی آن‌ها در این ولایت رأی نخست را به دست آورد.

آقای دوستم همچنان گفته است که حاضر است بمیرد، اما شکست را نمی‌پذیرد.

همچنان، جمعه‌خان همدرد والی پکتیا و یکی از کمپاینران اشرف غنی احمدزی به پشتون‌های شمال کشور گفته که به اشرف غنی احمدزی رأی دهند و «حلقهٔ غلامی و برده‌گی را از سر خود دور سازند.»

این سخنان نژادپرستانهٔ این دو عضو ستاد انتخاباتی تیم تحول و تداوم، واکنش‌های تند مردم افغانستان را به همراه داشته است. مردم در سراسر کشور گفته‌اند که آن‌ها جز یک پیگردن و هیچ فردی نمی‌تواند وحدت و همگرایی را از آنها بگیرد.

تیم انتخاباتی اصلاحات و همگرایی، سخنان اعضای تیم اشرف غنی احمدزی را مردود خوانده است.

این درحالی است که شمار زیادی از رهبران ازبیک‌ها و ترک‌تباران حمایت‌شان را از داکتر عبدالله اعلام کرده اند.

عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس، مولوی عرفان معاون پیشین استاد سیاف، وحیدالله شهرانی معاون پیشین قیوم کرزی و جنرال عبدالملک از افراد با نفوس در میان ترک‌تباران و ازبیک‌ها و شمار دیگری از نمایندگان مردم در شورای ملی، حمایت‌شان را از داکتر عبدالله اعلام کرده‌اند.

نیروهای امنیتی بی‌طرف...

کارمندان به مردم گفته بودند که ورق‌های رای دهی تمام شده در حالی که پس از پراکنده شدن مردم، خود با استفاده از ورق‌های رای دهی، به جای آنان رای داده بودند.

کمیسیون انتخابات از نیروهای امنیتی نیز خواست تا در انتخابات بی‌طرف بمانند. مداخله نیروهای امنیتی در انتخابات و استفاده از زور برای پر کردن صندوق‌های رای دهی توسط افراد مسلح، یکی از نگرانی‌های اصلی در انتخابات ۲۴ جوزا است.

آقای نورستانی گفت: «از نیروهای امنیتی همیشه خواهش ما این بوده که در روز انتخابات از مداخله در امور انتخابات به جز از فراهم آوری امنیت و محیط سالم برای رای دهندگان، اجتناب بورزند.»

آمدگی‌های امنیتی در همین حال، وزیر داخله افغانستان در این نشست گفت همه قوماندانان امنیه در ولایات تعهد سپرده‌اند که در انتخابات بی‌طرف می‌مانند. عمر داوودزی، وزیر داخله گفت: «یقین دارم که همه قوماندانان ما، جز و تام‌های ما، افسران ما و جوانان ما به تعهدی که سپرده‌اند وفا می‌کنند.»

آقای داوودزی گفت که سطح تهدیدات امنیتی در انتخابات ۲۴ جوزا نسبت به انتخابات ۱۶ حمل بلندتر است. اما او تأکید کرد که تعهد نیروهای امنیتی با این تهدیدها نیز وجود دارد.

وزیر داخله افغانستان گفت: «با اطمینان خاطر گفته می‌توانم که انشالله تاریخی را که کمیسیون تعیین کرده انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. حوادث خرد و ریزه شاید باشد، اما دشمن نمی‌تواند که انتخابات را تخریب کند یا مانع انتخابات شود.»

روز گذشته، کاروان تبلیغاتی عبدالله عبدالله هدف حمله انتحاری قرار گرفت؛ اما او از این حادثه جان به سلامت برد. رحمت الله نبیل سرپرست ریاست امنیت ملی در این نشست گفت که سرخ‌هایی در مورد این حمله به دست آمده است. او در این مورد جزئیات بیشتر نداد.



صورت گیرد.

رییس‌اجرای فیفا افزود: «مخالفین مسلح سخت در تلاش مختل کردن امنیت برگزاری دور دوم انتخابات اند؛ اما این وظیفه نیروهای امنیتی است تا برای تأمین امنیت برگزاری انتخابات تلاش جدی به خرج دهند.» او تأکید کرد: «نیروهای امنیتی باید با انجام برنامه‌های عملی به مردم اطمینان دهند که به نیروهای مخالفین اجازه نخواهند داد تا پروسه برگزاری انتخابات را مختل سازند.»

به گفته او، یکی از اهداف مخالفین از انجام چنین حملات، ایجاد ترس در میان مردم به منظور عدم حضور مردم در انتخابات است و یقیناً که حضور کم‌رنگ مردم مشروعیت انتخابات را زیر سوال خواهد برد؛ بنابراین نیروهای امنیتی باید اقدامات پیش‌گیرانه‌ی را انجام دهند؛ اما اگر حکومت از این ناحیه به مردم اطمینان ندهد، طبعاً که تأثیرات منفی بر روند برگزاری انتخابات خواهد گذاشت.

داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشواز انتخابات ریاست جمهوری روز جمعه از دو حملهٔ انتحاری جان سالم به‌در برد. در این حملات، بیش از ده تن از شهروندان کشور به شمول سه تن از محافظان داکتر عبدالله و یک عضو ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و همگرایی جان باختند.

این حملات زمانی صورت گرفت که آقای عبدالله از هتل آریانا کابل خارج شد و به سمت هتل کانتینتال در حرکت بود.



او اضافه کرد: «تثبیت محل و چگونگی اجرای عملیات از توان طالبان خارج است که با این سرعت اطلاعات کسب کرده و همزمان با اطلاعات عمل کنند؛ بنابراین یک تبانی میان حلقات طالبان و کسانی که در داخل نظام اند و خواهان اجرای چنین عملیاتی بودند، وجود داشته است.»

به باور کوهستانی، عدم هم‌آهنگی میان نامزدان و نیروهای امنیتی سبب می‌گردد تا چنین حوادثی رخ بدهد؛ بنابراین عدم هم‌آهنگی میان نامزدان به بیرون درز کرده و مخالفین سیاسی مسلح و غیر مسلح توانستند از این خلا سود ببرند؛ اما تکرار می‌کنم که انجام چنین عملیاتی از توان طالبان خارج است. او افزود، اطلاعاتی وجود دارد که حمله‌های انتحاری و انفجاری برجان داکتر عبدالله ادامه می‌یابد؛ ارگان‌های کشفی هم از این مسأله آگاه هستند.

در همین حال، جانداد سپین غر رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان یا فیفا می‌گوید: «در ماده ۶۱ قانون اساسی افغانستان آمده که هرگاه یکی از نامزدان قبل از اعلام نتایج بنابر دلایلی فوت می‌کند و یا کشته می‌شود، در این صورت باید پروسهٔ برگزاری انتخابات از اول طی شود.»

سپین غر تصریح کرد: «چون در افغانستان از یک‌طرف بودجهٔ کافی برای برگزاری یک انتخابات دیگر وجود ندارد و از طرف دیگر ظرفیت لازم برای جلوگیری از آشوب و مشکلاتی که از این بابت به میان خواهد آمد، وجود ندارد؛ بنابراین باید برای تأمین امنیت نامزدان و برگزاری انتخابات سالم تلاش جدی

هفت واقعتی که باید درباره گوانتانامو بدانیم

زندانیان بدنام ارتش آمریکا در خلیج گوانتانامو یکبار دیگر با تبادل پنج زندانی طالبان با یک سرباز آمریکایی اسیر در افغانستان، بر سر زبانها افتاده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «این پنج عضو ارتش طالبان که با سرباز آمریکایی «بو برگدال» مبادله شدند، در میان گروهی از زندانیان این زندان در جنوب کوبا که آزادیشان تایید شده است، نبودند. از سوی دیگر قانونگذاران آمریکایی به این دلیل ناراحتند که اطلاعاتی ۳۰ روزه درباره آزادی این زندانیان به آنها داده نشده بود و دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا شرایط جسمانی نامساعد برگدال را و اینکه آنها باید سریعاً وارد عمل می شدند، به عنوان دلیل اعلام کرده است. در ادامه حقایقی درباره مرکز بازداشت خلیج گوانتانامو ذکر می شود:



تاریخ

این بازداشتگاه در جنوری سال ۲۰۰۲ در پایگاه ارتش آمریکا در جنوب شرقی جزیره کوبا که طبق قرارداد ۱۹۰۳ از هاوانا اجاره شده بود، تاسیس شد. این زندان پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دستور دولت جورج بوش، رئیس جمهوری وقت آمریکا با هدف بازجویی از زندانیانی که «جنگجوی دشمن» بودند، راه اندازی گردید اما سریعاً به نمادی از تنفر از برنامه «جنگ با ترور» بوش تبدیل شد که زندانیان آن لباس های نارنجی به تن کرده و در قفس های باز دست بسته بودند. این قفس ها بعداً جمع آوری شد. از آن زمان، باراک اوباما بارها متعهد شده است که این زندان را تعطیل می کند اما این تلاش وی با مانع تراشی های کنگره رو به رو شده است چرا که آنها اجازه نمی دهند که هیچ زندانی گوانتانامو به خاک آمریکا منتقل شود.

زندانیان

طی این سالها مجموعاً ۷۷۹ زندانی وارد گوانتانامو شده اند و این زندان هم اکنون ۱۴۹ زندانی دارد که از این میان حدود ۷۸ تن از آنان حکم آزادیشان تایید شده است چرا که هیچ تهدیدی علیه آمریکا محسوب نمی شوند. ۵۸ تن از این زندانیان یعنی پنج تن تونسی،

چهار تن افغانی و چهار تن دیگر سوری هستند. گروه دوم ۷۱ زندانی باقی مانده از جمله شامل ۱۰ زندانی هستند که هم اکنون متهم شده و از سوی کمیسیون ویژه ارتش آمریکا محاکمه شده اند. ۲۳ تن دیگر نیز روند قضایی پرونده شان آغاز شده است و این در حالی است که ۳۸ تن از آنان در شرایطی هستند که بشود پرونده شان را بازمینی کرد.

حکومتها

از زمان تاسیس کمیسیون ویژه ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۶، هشت تن از زندانیان گوانتانامو دادگاهی و محکوم شده اند و شش تن از آنان به جرایم خود اعتراف کرده اند. مقام های فدرال آمریکا در احکام صادر شده برای دو تن از آنان تجدیدنظر کردند و درخواست تجدیدنظر در دو پرونده دیگر رد شده است. این چهار زندانی به کشورهای خودشان منتقل شده اند و تنها یکی از آنها به نام احمد القیلاتی که ملیت تونسی داشت و به دلیل همدستی در حملات ۱۹۹۸ علیه سفارت های آمریکا در آفریقا به حبس ابد محکوم شده بود، در دادگاه فدرال حاضر شد.

زندانیان به کجا رفته اند

مابقی زندانیان متعلق به ۱۹ کشور دیگر هستند و یک تن از آنان بدون کشور است. در مجموع ۸۷ یمنی، ۱۲ افغانی، ۱۱ سعودی و تعدادی از مصر، پاکستان و روسیه هستند. مقام های آمریکایی تلاش دارند تا آن دسته از افرادی را که متهم نشده اند، به کشورهای سوم منتقل کند. بسیاری از آنان به کشورهای خودشان منتقل شده اند، اما برخی کشورها از جمله آلبانی، الجزایر، برمودا و پالائو در اقیانوس آرام میزبان برخی از زندانیان گوانتانامو هستند.

هزینه ها

به گفته مقام های آمریکایی، هزینه سالانه نگهداری یک زندانی در گوانتانامو بین ۷/۲ تا ۸/۲ میلیون دلار است. این در حالی است که برای هر زندانی داخل خاک آمریکا سالانه ۷۸ هزار دلار هزینه می شود.

بازگشت

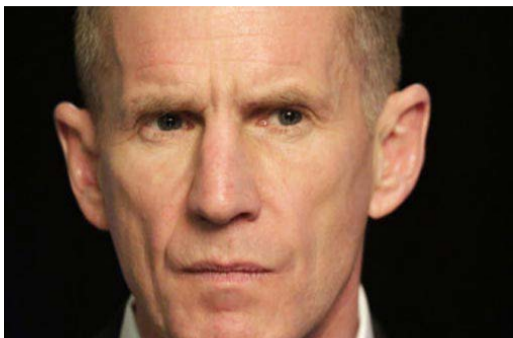
امریکا به دقت افراد آزاد شده را تحت نظارت دارد و برخی از آنان (حدود ۳۰ درصد) به گروه های شبه نظامی پیوسته اند تا حملاتی را علیه اهداف غربی انجام دهند. به گفته یک مقام آمریکایی، بازگشت ۱۶ تن از زندانیان سابق به میدان های نبرد تایید شده است و گمان می رود که حدود ۱۲ درصد از زندانیان مظنون به چنین اقدامی دست زده باشند.

معروف ترین زندانی ها

در میان افرادی که هنوز زندانی هستند، می توان به «خالد شیخ محمد» مغز متفکر خودخوانده حملات ۱۱ سپتامبر و چهار مظنون در حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ در خاک آمریکا اشاره کرد. نفر بعدی یک زندانی سعودی است که «عبدالرحیم النشیری» نام دارد و به هماهنگ کردن حملات سال ۲۰۰۰ علیه ناوشکن آمریکایی USS Cole در یمن متهم است. تمامی این افراد در صورتی که مجرم شناخته شوند، با حکم مرگ روبرو می شوند.

جنرال مک کریستال:

دلیم برای روزهای خدمتم در افغانستان تنگ شده است



فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان در مصاحبه ای درباره وضعیت خود و اقداماتی که منجر به استعفاش شد، سخن گفت و هیلاری کلینتون را ستود.

جنرال استنلی مک کریستال، فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان در مصاحبه اختصاصی با یاهو نیوز گفت: در پاسخ به این سوال که آیا هیلاری کلینتون رئیس جمهور خوبی می شود یا نه باید بگویم که او وزیر خارجه خوبی بود و در این سمت خوب عمل کرد.

وی افزود: کار کردن با او بسیار عالی است و من احترام زیادی برای ایشان قایلیم. من مانعی بر سر نامزدی کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا نمی بینم و من قطعاً از همکاری با وی لذت می برم.

مک کریستال در جون ۲۰۱۰ پس از انتقادات شدیدی که از مقام های ارشد سیاسی آمریکا مانند جو بایدن، ریچارد هالبروک مطرح به کشورش احضار شد و پس از دیدار با باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا از مقام خود استعفا داد و دیوید پترائوس جایگزین وی شد.

این جنرال بازنشسته در مصاحبه خود همچنین از تصمیم اوباما برای تبادل بوبرگدال، تنها سرباز آمریکایی اسیر در افغانستان با پنج زندانی طالبان و نیز برنامه اوباما برای کاهش نیروها در افغانستان تقدیر و آن را ارزشمند توصیف کرد.

وی در حاشیه نشست پروژه فرانکلین در پنسیلوانیا در رابطه با حذف سربازی گفت: من در این نشست طرح خود برای جذب افراد ۱۸ تا ۲۸ سال برای خدمت سربازی و جذب حدود یک میلیون تن تا سال ۲۰۲۳ را مطرح کردم.

این مقام سابق در خصوص سخنانی که پیشتر علیه مقام های آمریکایی مطرح کرده بود، گفت: روزهای دردآوری را پشت سر گذاشتم، روزهایی که حس کردم با بی انصافی درباره من قضاوت شده است. اما اینها چندان اهمیتی ندارد. تنها کسی که اهمیت دارد، من هستم. من دلم برای روزهای خدمت عملیات و افغانستان تنگ شده است.

شبکه حقانی در حال تبدیل شدن به بدترین دشمن امریکا است

در افغانستان حمله نکنند اما این برنامه مدتی بعد متوقف شد. بیل روجیو، سردبیر لانگ وار ژورنال (ژورنال جنگ طولانی) می گوید: آنها نتوانستند، آن طور که طراحان نظامی می خواستند به عملیات ادامه دهند و دلیل آنها تعداد اندک نیروها بود، این حملات در سال جاری و هم زمان با آغاز مذاکرات دولت بارک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا با شبه نظامیان طالبان که متحد ضعیف شده گروه حقانی هستند، کاملاً متوقف شد.



روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشت که شبکه تروریستی حقانی در افغانستان بسیار بدتر از طالبان و یا القاعده است و ترسی از حملات پهبادی پراکنده در مناطق قبیلگی وزیرستان شمالی پاکستان ندارد.

طبق گزارش این روزنامه آمریکایی، هم اکنون حملات هواپیماهای بدون سرنشین به دلیل اقدامات یک گروه تروریستی خانوادگی که بو برگدال، سرباز آمریکا، را برای پنج سال در افغانستان اسیر کرده بودند، متوقف شده است. در سال ۲۰۱۱ باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا مجوز حملات پهباداها را در مفرهای شبکه حقانی در شهر میرانشاه صادر کرد. این آغاز تلاش ها برای متوقف کردن تروریست های حقانی بود تا دیگر به آمریکایی های مستقر

به گفته یکی از تحلیلگران، جدا از معامله بو برگدان با پنج زندانی طالبان، اینگونه به نظر می رسد که آمریکا جنگ پهبادی خودش را در پاکستان به حالت تعلیق درآورده و اجازه می دهد که اهداف بگریزند. شبه نظامیان حقانی مسوول اجرای حملات کنترل از راه دور هستند که جان بسیاری از سربازان آمریکایی را در ولایت پکتیا گرفت. در سال ۲۰۰۹ بو برگدال در این ولایت خدمت می کرد و پس از اینکه از یگانش جدا شده، از سوی طالبان به اسارت گرفته شد و حال این احتمال وجود دارد که از وی درباره اطلاعاتی که از حقانی دارد، سوالاتی پرسیده شود. فرمانده آمریکا در افغانستان از شبکه حقانی به عنوان نیرومندترین دشمن آمریکا یاد می کند که چندین سال است که در سراسر مرز و در وزیرستان شمالی پاکستان فعالیت می کند.



فوتبال

از قلبم خون می چکد!

ریبری:



همه امید من این بود که بتوانم در برزیل بازی کنم اما با نهایت تاسف این رویایم برآورده نشد.

ستاره بایرن ادامه داد: هر چند نمی توانم در جام جهانی حضور یابم اما می خواهم از کادر پزشکی به خاطر زحمات زیادی که کشیدند تشکر کنم چرا که آنها هر کاری را که می توانستند انجام دادند. انگار قسمت نبود که من در جام جهانی حضور یابم. از هم تیمی هایم با قلبی که از آن خون می چکد خداحافظی می کنم. اطمینان دارم که آنها برای موفقیت تیم ملی فوتبال کشورشان از جان مایه خواهند گذاشت و اصلاً کوتاهی نخواهند کرد. بازیکنان فرانسه برای قهرمانی به برزیل می روند و من اطمینان دارم که آنها موفق خواهند شد.

ریبری در پایان گفت: به خوبی می دانم که می توانم به هم تیمی هایم اطمینان کنم. من از حالا به بعد نخستین طرفدار تیم ملی فوتبال کشورم خواهم بود و از صمیم قلب برای هم تیمی هایم آرزوی موفقیت می کنم.

هافبک تیم ملی فوتبال فرانسه از اینکه جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل را از دست داده است غرق در اندوه و ناراحتی است اما اطمینان دارد که هم تیمی هایش می توانند موفق باشند.

یکی از امیدهای تیم ملی فوتبال فرانسه برای درخشش در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل فرانک ریبری بود اما این بازیکن در آخرین لحظات از لیست نهایی دیده دشام به علت آسیب دیدگی خط خورد تا بهت و ناراحتی رسانه ها و مردم فرانسه را در برگیرد.

تیم ملی فوتبال فرانسه برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل خود را آماده می کند و بدون شک غیبت ریبری می تواند خط هافبک این تیم را ضعیف کند. ریبری قبل از پرواز تیم ملی فوتبال کشورش به برزیل گفتگویی را با سایت رسمی فدراسیون فوتبال کشورش انجام داد. او از اینکه نمی تواند در جام جهانی برزیل حضور یابد بسیار ناراحت است.

او گفت: واقعا برای من دردآور است که نمی توانم تیم ملی فوتبال کشورم را همراهی کنم. نمی دانم چگونه ناراحتی خود را بیان کنم. واقعا از نظر روانی در شرایط خوبی بسر نمی برم. حضور در جام جهانی برای هر بازیکنی

بلاتر:

در دادن میزبانی به قطر اشتباه کردیم

در زندگی خود اشتباه های زیادی می کنند و نمی توان انتظار داشت که فیفا اصلاً اشتباه نکند. ما نیز در دادن میزبانی به قطر اشتباه کردیم. گزارش کمیته فنی ما از این کشور نشان داد که قطر در طول تابستان بسیار گرم است اما کمیته اجرایی فیفا همگی تایید کردند که جام جهانی در این کشور برگزار شود.

شیخ احمد فهد، رئیس کمیته المپیک آسیا هم به حمایت از میزبانی قطر پرداخت و تلاش انگلیسی ها را نوعی نژادپرستی علیه کشورهای عربی دانست. او گفت: خبرهایی که هر از چند گاه رسانه های انگلیسی منتشر می کنند نوعی نژادپرستی علیه قطر و کشورهای عربی به شمار می آید. قطر میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ است و در این هیچ شکی وجود ندارد. ما در کمیته المپیک آسیا از قطر حمایت می کنیم و در برابر هرگونه نژادپرستی خواهیم ایستاد.

بحث تبانی و رشوه جام جهانی ۲۰۲۲ تنها مشکل میزبانی قطر نیست. زمان برگزاری این رقابت ها هم یکی از جدی ترین مشکلات فیفا به شمار می آید. در ابتدا مقرر شد که جام جهانی قطر در تابستان برگزار شود اما گرمای بیش از حد قطر سران فیفا را به این فکر انداخته است که زمان برگزاری این رقابت ها را از تابستان به زمستان تغییر دهند که انگلیس به شدت مخالف این تصمیم است. قرار است تصمیم نهایی در سال ۲۰۱۵ گرفته شود.

رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال تاکید کرد که به هیچ وجه میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ تغییر نخواهد کرد. قطر در حالی به عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ انتخاب شده است که همچنان بحث تبانی و رشوه درباره نحوه گرفتن میزبانی از سوی این کشور مطرح است. روزنامه تلگراف انگلیس بارها دست به افشاکاری زد و از رشوه دادن شیخ نشانی قطری به اعضای کمیته اجرایی فیفا خبر داد.

انگلیسی ها که در رقابت با قطر میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ را از دست دادند، همچنان امیدوار هستند که میزبانی از قطر گرفته شود اما به نظر نمی رسد که فیفا قصد تغییر میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ را داشته باشد. سب بلاتر، رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال که برای شرکت در نشست اعضای کمیته فنی فیفا به برزیل رفته است، در سخنانی که روزنامه رایبه قطر منتشر کرد، تاکید کرد که میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ از قطر پس گرفته نخواهد شد. او گفت: باید تاکید کنم که قطر میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ است و اصلاً در صدد تغییر میزبان نیستیم. در نشست اخیر کمیته اجرایی فیفا همه اعضا به این نتیجه رسیدند که جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر برگزار شود و در این تصمیم خود هیچ شکی نداریم.

البته رئیس سوئیس فدراسیون بین المللی فوتبال پیش از این اعتراف کرد که انتخاب قطر به عنوان میزبان جام جهانی تصمیمی اشتباه بوده است: «مردم

Mandegar

داکتر عبدالله عبدالله در میان دهها هزار تن از شهروندان کاپیسا:

پیام ما امیدوارکننده است



شکست در انتخابات برای وی عیب بوده و هرگز شکست را نمی‌پذیرد. جنرال دوستم در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود گفته است که از یک‌ها و ترکمن‌هایی که به وی رای ندهند، خاین اند. برخی تحلیلگران و رسانه‌های بین‌المللی نوشته‌اند که داکتر عبدالله با حضور در میان جمع بزرگی از هوادارانش در ولایت کاپیسا، نشان داد که حمله روز جمعه بر مبارزات انتخاباتی او خللی وارد نکرده است. او روز جمعه هم دقیقی پس از دو انفجار انتحاری پی‌هم که منجر به انهدام موتر حامل او و یک موتر حامل محافظانش شد، در یک همایش دیگر شرکت کرد. آقای عبدالله نخستین سخنران این همایش بود و پیام ضمنی‌اش این بود که این حمله خللی بر اراده او وارد نکرده است.

داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری یک روز پس از سوء‌قصد ناکام بر جان‌ش، روز گذشته با حضور در جمع دهها هزار نفر در ولایت کاپیسا سخنرانی کرد. داکتر عبدالله نامزد ریاست‌جمهوری شعارهایی را که از سوی تیم تحول و تداوم مطرح می‌گردد، مردود و غیرقابل قبول برای مردم افغانستان خواند. داکتر عبدالله تصریح کرد: «صدای ما به مردم افغانستان صدای اطمینان بخش است. پیام ما برای مردم افغانستان پیام امیدوارکننده است. ما به شعارهایی که می‌گویند که اگر انتخابات را نبریم می‌میریم؛ از اول دست رد گذاشتیم». این گفته‌ها در حالی مطرح می‌گردد که اخیراً جنرال دوستم معاون اول اشرف غنی احمدزی نامزد دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری در چند تبلیغات انتخاباتی‌اش تاکید کرده است که

جنرال دوستم به ازبیک‌ها و ترک‌تباران:

اگر به من رأی ندهید خاین محسوب می‌شوید!



تفرقه در میان مردم افغانستان تلاش کند، مخالف قانون اساسی عمل... ادامه صفحه ۶

جنرال دوستم، معاون اشرف غنی احمدزی، به ازبیک‌ها و ترک‌تباران کشور هشدار داده است که اگر به او به عنوان معاون اول آقای احمدزی رأی ندهند، مرتکب «خیانت» شده‌اند. جنرال دوستم که در یک نشست انتخاباتی در ولایت بغلان صحبت می‌کرد، گفت: «ای ازبیک‌ها و ترکمن‌ها، شما در رأی دادن تان تاریخ را در نظر بگیرید و اگر به من به عنوان یک ازبیک در کنار داکتر اشرف غنی رأی ندهید، خاین حساب می‌شوید، نه کسانی که اشتباه کرده است!» این سخنان آقای دوستم با واکنش‌های تند شهروندان کشور مواجه شده است. به گفته مردم، هر کسی که به دامن‌زدن تعصب، قوم‌گرایی و

تلفات سیلاب در بغلان به ۷۴ نفر رسید

مورد باشندگان قریه های متضرر شده وجود دارد و از آنجایی که شمار دقیق باشندگان آن جاها معلوم نیست، شمار ناپدید شده ها نیز مشخص نمی باشد. او افزود که برخی مردم محل حتی از دو صد فرد ناپدید شده صحبت می کنند. او افزود که آمارگیری جریان دارد تا تعداد دقیق ناپدید شده ها معلوم گردد. آقای بشارت افزود: «ما کسانی را شاهد بودیم که اعضای فامیل شان را می پالیدند. کسانی که دو سه تن از خانواده های شان ناپدید هستند و حالا در جستجوی آنها هستند».



به گفته این مقام محلی، پولیس «گذرگاه نور» و ولسوالی های همجوار با مردم در عملیات جستجو و انتقال زخمی ها کمک می کند، اما امکانات محدود است. شماری از زخمیان وخیم حادثه به پلخمری، مرکز ولایت بغلان انتقال داده شده اند. همچنان فضل رحمان، فرمانده پولیس ولسوالی گذرگاه نور خواستار کمک های اضطراری حکومت مرکزی شد و گفت: «تا حالا کسی به کمک ما نیامده است. مردم خودشان تلاش می کنند اعضای مفقود شده خانواده شان را پیدا کنند». ولایت‌های شمالی و مرکزی افغانستان در فصل بهار شاهد باران های شدید موسمی است که اغلب منجر به جاری شدن سیل می شود. در چندین ولایت شمالی در بهار سال روان، جاری شدن سیلاب قربانی به جا گذاشت

مقام‌های محلی در ولایت بغلان می‌گویند که در اثر جاری شدن سیلاب بیش از ۷۰ تن جان داده و هزاران تن دیگر خانه‌هایشان را ترک کرده اند. تیم های نجات و امدادی به محل حادثه رسیده اند. در پی بارش سنگین باران در چهار قریه ولسوالی «گذرگاه نور» ولایت بغلان شام جمعه سیلاب جاری شد. جاوید بشارت، سخنگوی قوماندانی امنیه ولایت بغلان به دویچه وله گفت که تا حالا جسد ۷۴ تن پیدا شده و ده تن دیگر زخمی شده اند. بشارت گفت که تیم های کمکی اردوی ملی و اداره مبارزه با حوادث طبیعی به محل حادثه رسیده اند و همراه با مردم قریه های مجاور، مشغول کمکرسانی و جستجوی ناپدید شده ها می باشند. سخنگوی قوماندانی امنیه بغلان گفت که آمار متفاوتی در

کمیسیون انتخابات:

نیروهای امنیتی بی طرف بمانند

مانعی بر نخورده است. این در حالی است که مواد حساس انتخاباتی به بیش از ۵۰ ولسوالی به دلیل ناامنی و راه‌های صعب‌العبور، توسط هلیکوپتر انتقال داده می‌شوند. احمد یوسف نورستانی، رئیس کمیسیون انتخابات روز شنبه، ۱۷ جوزای ۱۳۹۳، در نشستی که با حضور مقام‌های امنیتی برگزار شد، گفت به جای ۵۰۰۰ کارمند انتخابات که در دور اول متهم به تقلب بودند، کارمندان جدید به کار آغاز کرده اند. آقای نورستانی گفت که در انتخابات دور دوم از تقلب توسط کارمندان کمیسیون جلوگیری خواهد شد: «برای این کارمندان در آموزش‌ها بسیار جدی تاکید شده که باید از هرگونه تخطی و تخلف و تقلب جلوگیری کنند. احیاناً اگر کسی بالای آن‌ها اعمال نفوذ می‌کند یا تهدید می‌کند، حداقل به ما اطلاع دهند تا ما از طریق نیروهای امنیتی جلو این مساله را بگیریم». در انتخابات ۱۶ حمل شکایات‌های زیادی در مورد تقلب توسط کارمندان کمیسیون انتخابات ثبت شد. براساس این شکایات‌ها، در برخی از مراکز رای دهی،...



کمیسیون انتخابات می‌گوید انتقال مواد حساس انتخاباتی از مراکز ولایات به ولسوالی‌ها و مراکز انتخاباتی توسط هلیکوپترها و ترانسپورت زمینی ادامه دارد تا دو روز پیش از انتخابات، به همه مراکز رای دهی برسد. مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان می‌گویند انتقال مواد انتخاباتی از مراکز ولایات به ولسوالی‌ها تاکنون با هیچ

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفاتر خارجی
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- روزنامه
- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰